



تحویل سال در ماضی

همگی باید حاضر باشند و علی‌الرسم به حضور همایون شرفیاب گردند. مبدا سلطان صاحب قران تصور فرمایند که از جای مراسم سلام مشغول ساده و باده و دسیسه چینی هستید. سبحان الله از این توهم توطئه پایان ناپذیر که سوءظن به تمامی عالم دارند. اگر چه محق هستند؛ در این زمانه به قدری دروغ شنیده اند که راست همه کس خدمتشان کذب محض است.

قبل از تحویل و بعد از حمام عید، شاهنشاه، قبله عالم، لباس سلطنتی می‌پوشند، چقه می‌زنند، شمشیر مرصع حمایل می‌نمایند تا تشریف فرمای مجلس سلام شوند. در این بین ملیجک "شاجون" گویان وارد اطاق شد، بی‌محابا طرف شاه رفته کلاه جقه دار را که هنوز به سرمبارک نگذاشته بودند، برداشت و به سر خود گذاشت. بر همه ناگوار آمد نه اینکه نجلی در کار باشد، آخر احترام جقه و تاج تخت پادشاهی مسئله دیگر است و خلاف است که در زندگی شاه کسی دیگر این قدرت را نماید و جقه را سر بگذارد. جقه و تاج و تخت ناموس ملت ایران است. نباید هر نامحرمی بر آن ظفر یابد. اما قبله عالم به یک "پدر سوخته چه می‌کنی؟" بسنده کردند. الحمدالله آخر سال است و الا دلمان آرام نمی‌شد و به فال بد می‌گرفتیم.

سلطان بن سلطان ناصرالدین شاه قاجار به میمنت و اقبال از اطاق بلور که راه موزه است، حرکت کرده و در طالار جلوس فرمودند. از طرف درب خانه و ایوان خانه صدای همه‌همه جمعیت به اوج رسیده بود. مردم من جمله اهل قلم و اهل نظام به جهت شگون دیدار روی شاهنشاه، جان فدا، تماما در حیاط صندوق خانه و پشت دروازه‌ها مانده، ازدحامی برپاست. جمعیت این سلام احیاناً از هزاروپانصد متجاوز خواهد شد. گویا امسال بی‌نظم‌تر و شلوغ و بدتر از سنه ماضیه و سنوات ساقه است. در جرگه شاهزادگان بچه‌های چهار پنج ساله بیشتر از سیصد دیده می‌شوند شیخ شیپور دلقک هم از خود نمایی فرورگذار نکرده سراسر طالار می‌دود و تلخکی می‌کند.

می‌خواستیم مفصلی بنویسم از وقایعی که در سنه ماضیه روی داده و شرحی بنگارم که دیباچه و مقدمه برای وقایع هذلسنه شود. چون مطلب به اطناب می‌کشد. لیکن در لایحه دیگر خواهیم نوشت. پس این مرقومه را منحصر می‌کنم به آنچه در ابتدا و قبل از آغاز هذلسنه در دربار دولت ایران رو داده و بعضی وقایع و حوادث متفرقه. به حمدالله در ظرف سال گذشته در ایران فارق عادتت رو نداد، مگر اینکه چون سنوات ماضیه قدری گرانی در ارزاق بیش از پیش پیدا شد. از رجال دولت میرزا یونس صدراعظم و حاجب‌الدوله مرحوم شدند. از اولاد ماشالله پر کثرت شاه دو سه نفر ذکور و انثا رخت به دار دیگر کشیدند. در سایر اقطار عالم باز می‌توان گفت تازه رو نداد خبر زمستان سخت در اغلب ممالک و گفتگوی جنگ در میان دول فرنگ؛ اما نشدا... امروز یکشنبه ۱۹ ربیع الثانی ۱۲۹۸ ه. مطابق با ۲۱ مارس ۱۸۸۱ مسیحی اول سنه نیلان ایل ترکی. چهار ساعت کم و بیش مانده به تحویل شمس به حمل.

علی‌الرسم سلام تحویل در طالار مشهور به عاج در حضور پادشاه عصرالسلطان ناصرالدین شاه قاجار منعقد خواهد شد. علما و سادات و اعظام به حضور خواهند رسید. از جمله امام جمعه طهران و شاهزادگان یعنی اولاد صی؛ وزرا یعنی؛ با وزیر داخله، امور خارجه، عدلیه، تجارت، جنگ، وظایف، مدیر مجلس شورای دولتی، خزانه‌دار، وزیر علوم و تلگراف خانه‌ها، سفرای خارجه به هیأت اجماع، اعیان و اشراف و سایر رجال دولت و متفرقه تا زین‌دار باشی ... آنچه در سیاهه دیدم تخمیناً سی صد نفر می‌شد. پادشاه جهت تحویل در اطاق موزه که تازه به اتمام رسیده است جلوس خواهند فرمود. اطاق موزه طالاریست بسیار وسیع که در ایران به این بزرگی اطاق ساخته نشده. از اطاقهای اصفهان صفویه هم بزرگتر است. سقف، آجری است و مشتمل بر طاق وسط و چند دالان. سراسر بسیار مزین و چهل چراغهای بزرگ آویخته شده - هوا نیز پاک و مفرح و بهاری.



و سیب و سبزه هر کدام در مجمعه‌ای جداگانه؛ چند گلدان سنبل هم به این سفره همایونی جلا و عطر خاص بخشیده است. انواع گل‌های بهاری در گلدانهای چینی با نقش و نگار و کسب همایونی یا نقش شکار قبله عالم دوردور سفره به چشم می‌خورد.

انصافاً چه زیبا و روح انگیز و دل ریاست این آیین ایرانی ولی افسوس و صد افسوس که این رسم جانانه به دست عمده‌جات درباری ضایع می‌شود.

از حوادث سلام این تحویل اینکه جار بزرگ وسط اطاق در میان سفره هفت‌سین جا خوش کرده بود. خواجه‌ها آنجا ایستاده بودند. جمعیت هول خورد، تکان دادند، نزدیک بود بشکنند اما عیب نکرد. اما حاجی میرزا دب الشرایح که شاهی گرفت عقب عقب رفت. انگار میزانش دستش نبود؛ به بساط هفت‌سین خورد. ظرف ماهی شکست. ماهی‌های قرمز زنده در میان سفره بر روی زمین افتاد و افتتاحی شد نگفتنی! ... قبله عالم نفس عمیقی از سر کسل خیالی کشیدند. خلق همایون متغییر شد. غره چشمی به حاجبان رفتند که دل هر جنبنده‌ای را به لرزه می‌انداخت.

کلفت‌ها و نوکرها دویدند تا سفره را قبل از تحویل رونقی دوباره بخشند. این نوبه اول نیست که رعیت چشمش کور، جانفشانی کند و سر آخر این الجنت دیگری سوار خر مراد می‌شود. مالید باز جای شکرش باقی است بخت یار بود که اقلش قبل از سال نو این بدشگونی رو داد.

بالاخره از آنجا که طبیعت بی هیچ کم و کاست راه خودش را می‌رود، یک ساعت و چهل دقیقه از دسته گذشته آفتاب داخل برج حمل شد. توپ تحویل در شد.

خداوند سلطان بن سلطان ناصرالدین شاه قاجار را سلامت، قدرت و شوکت بدهد تا خورشید جمال آسایش همچنان به این مردم شوریده حال بتابد.

پروردگار را شاکریم که به از سرگذراندن تمام بلیات باز هم سال تازه شد.

ملیچک هم خلعت سرداری مغزداری که با دست مبارک همایونی به وی مرحمت شده با تمثال و شمشه الماس پوشیده بغل به بغل قبله عالم نشسته است.

در جرگه امرا و وزراء، نواب و دهباشیان فراشخانه و عمله جات کارخانه، جلوداران اصطبل هستند و قس علی هذا و این همه مسلماً برای دریافت کیسه‌های شاهی بلکه جهت دیدن روی بخت‌آور اعلیحضرت همایونی.

چند روزی است در درب خانه از این گوش به آن گوش می‌رسد که به اقتضای احتیاط از ده، دوازده هزار تومان مخارج این تحویل، مبلغی صرفه‌جویی شده و آن مبلغ را به مصارف واجبه و لازمه از قبیل باقی مخارج عروسی عزیز السلطان و ختنه سوران فرزند عزه الملوک رسانده‌اند.

باری در مراسم شاهی گرفتن بلوایی شد. کیسه‌های شاهی کم آمد، به بعضی دوباره آمدند، دادند به برخی هیچ نرسیده که البته این بی‌عدالتی‌ها محتوم ملت ایران است و انگار تمامی هم ندارند.

یعنی هیچ کاروانسرای در عید و هیچ بازاری قبل از عید به این بی‌نظمی و بی‌شأنی و شلوغی نبوده باشد. خداوند انشالله سالیان دراز وجود مبارک پادشاه را سالم و از آفات و عاهات و بلیات محفوظ دارد. لیکن نوکر خوب نصیب این ذات اقدس هم بفرماید تا مبادا، خاکم به‌دهان، قدر و مرتبه شاهی تنزل کند.

در طالار موزه همچون سال ماضی سفره هفت‌سین بر طبق سنت و آیین دیرینه دولت محروسه و دربار شوکت آسای قاجاری به‌حمدالله رنگین‌تر بر زمین، پهن گسترانیده شده است.

سفره از ترمه زربفت و سرخ بافت، جار بزرگ ماهی به‌عدد ۳۰ به تعداد سالهای پر برکت سلطنت قبله عالم. در آبدارخانه مبارکه هر ساله مقادیر فراوانی شیرینی‌جات از قبیل باقلوا، سوهان، گز ... ساخته می‌شود برای مراسم تحویل که شاهنشاه البته راحاً‌الحقوم را دوست دارند. همه بر سر سفره آماده است. هر هفت‌سین، سیر، سماق، سرکه، سکه و سمنو